

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل پنجم :

میوه روح القدس :

کلیسا در مشارکت با عیسی

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت دوم: روح القدس کلیسا را در مسیح متحد می کند

فهرست

- ۴۸۳ فصل پنجم: میوه ی روح القدس: کلیسا در مشارکت با عیسا
- ۴۸۳ ۱- این کاروان از کجا می آید؟ از سه گانه ی اقدس!
- ۴۸۴ الف- کلیسا از پدری می آید که ما را محبت می کند و می خواهد ما را نجات دهد.
- ۴۸۵ ب- کلیسا از پسر یگانه ای می آید که زندگی نوین عطا می کند عروشه، کلیسا، می دهد.
- ۴۸۵ ج- کلیسا از روح القدس می آید که به ما زندگی نوین عطا می کند
- ۴۸۷ ۲- مشارکت چیست؟
- ۴۸۹ خلاصه ی تعلیمات رسمی
- ۴۹۰ ۳- دو نماد اصلی کلیسایی
- ۴۹۰ الف- کلیسا، عروس مسیح
- ۴۹۰ ۱- خدا در عهد عتیق داماد قومش معرفی می شود
- ۴۹۱ ۲- در اناجیل، عیسا ی مسیح داماد استترجمه ی متن آیین
- ۴۹۴ ۳- کلیسا در رساله به افسسیان، عروس مسیح اعلام می شود
- ۴۹۵ ۴- در مکاشفه ی یوحنا، کلیسا در کمال شکوه خود ظاهر می شود: اورشلیم آسمانی
- ۴۹۶ ب- کلیسا، بدن مسیح
- ۴۹۶ ۱- ابعاد جهانی بدن مسیح رستاخیز کرده
- ۴۹۷ ۲- چگونه کلیسا، می تواند بدن مسیح باشد؟
- ۴۹۹ خلاصه تعلیمات رسمی
- ۵۰۶ ۳- نان قربانی مقدس، بدن مسیح، سازنده ی کلیسا

فصل پنجم

میوه ی روح القدس:

کلیسا در مشارکت با عیسا

کوی نومیدی مرو امیدهاست سوی تاریکی مرو خورشیدهاست (مثنوی، دفتر اول، ۷۲۴)

مقدمه:

«کلیسا چیست؟ کلیسا چه می کند؟ این دو سؤال، دو محور اصلی سؤالات مطرح شده در این شورا می باشند» (از سخنرانی کاردینال مونتینی، که بعداً پاپ پل ششم گردید، در جلسه عمومی شورای اسقفان واتیکان دوم).

با توجه به اهمیت این تعلیم کلیسا و عمق آن، که درک آن را کمی مشکل می نماید، در آخر فصل های آینده تدریجاً این بحث را دنبال خواهیم نمود. اینک اولین سؤال را بررسی می کنیم: «کلیسا از کجا می آید؟».

سپس در ادامه ی همین کتاب تلاش خواهیم نمود به یک سؤال دیگر پاسخ دهیم: «راز کلیسا در دنیای امروز چیست؟» و بالاخره به اتفاق درباره ی: «کلیسا به کجا می رود؟» خواهیم اندیشید. جواب مجمع اسقفان به این سه سؤال اساسی را بشنویم. همراه با مجمع و بر طبق عنوان این قسمت به اولین سؤال خود جواب می دهیم: «کلیسا از سه گانه ی اقدس می آید» و به سؤال دوم پاسخ می دهیم: «کلیسا شمایل سه گانه ی اقدس است» و در مورد سؤال سوم مجمع به یاری ما می آید تا کشف نماییم که: «کلیسا به سوی سه گانه ی اقدس می رود.» یقیناً درک این سه جواب می طلبد که آن چه را قبلاً درباره راز سه گانه ی اقدس گفته شد به خاطر آوریم (ر. ک بخش دوم، فصل دوم).

۱- این کاروان از کجا می آید؟ از سه گانه ی اقدس!

جوان: نمی فهمم چرا این قدر به این سؤال اهمیت می دهی، بعد از آن چه درباره ی عیسا، زندگیش، مرگ و رستاخیزش گفتیم، جواب سؤال مشخص است! از یک طرف، بعد از چنین تجربه ای غنی که شاگردان مشترکاً داشتند طبیعی است که میل دارند پراکنده نشوند و نگذارند آن چه را با هم تجربه نموده اند فراموش کنند بلکه می خواهند یافته هایشان را با دیگران تقسیم نمایند. از سوی دیگر، آنها از سوی حکام یهودی که قبلاً عیسا را محکوم نموده بودند تهدید می شدند. بنابراین برای دفاع از خود بهتر است که با هم بمانند.





آنها کلیسا را تأسیس نمودند تا برای رسیدن به این خواست ها قدرت داشته باشند و این نیاز مسیحیان امروز نیز هست و به دلیل همین نیاز است که کلیسا به حیات خود ادامه می دهد. همان طور که ایمانداران دیگر ادیان نیز بعد از مرگ مؤسس مذهب خود دور هم جمع شده، سازمان می یابند.

پیر: اگر چنین می بود کلیسا فقط یک سازمان بشری می شد که هدف آن ادامه دادن گذشته ای تمام شده می بود و حیات آن تنها به نیروی انسان های تشکیل دهنده اش بستگی داشت. در این قضیه تمام ادیان هم ارزشمند...



اما بگو بینم، اگر آن چه گفتمی طبق انجیل درست می بود، روح القدسی که مسیح پس از مرگ و رستاخیزش به کلیسا داد برای چه بود؟

جوان: ... در واقع نمی دانم چه بگویم، زیرا به نظر می رسد در ادیان دیگر، روح خدا را نمی شناسند و فقط نیروی انسان ها، حکمت و سازماندهی آنها دلیل بقای دینشان می باشد.



پیر: پس با دقت به تعلیم مجمع اسقفان و جواب آن به این سؤال ما که کلیسا از کجا می آید، گوش فرا ده:



الف- کلیسا از پدری می آید که ما را محبت می کند و می خواهد ما را نجات دهد:

شورای واتیکان دوم بیان می کند: «پدر جاودانی با تدبیر کاملاً آزاد و اسرارآمیز و با حکمت و نیکویی خویش جهان را آفرید.

او تصمیم گرفت با شرکت دادن انسان ها در زندگی الاهی خود به آنها ارزش ببخشد. وی پس از سقوط آدم انسان ها را به حال خودشان رها نکرد بلکه از طریق مسیح نجات دهنده «که به صورت خدای نادیده و نخست زاده تمامی آفریدگان است» (کول ۱: ۱۵) آنان را به سوی نجات رهنمون شد. همه ی آنانی را که پدر، قبل از آغاز زمان، برگزید و «آنان را که از قبل شناخت ایشان را از پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد» (روم ۸: ۲۹). او خواست تا تمام کسانی را که به مسیح ایمان می آورند دعوت کند تا کلیسای مقدس را تشکیل دهند، کلیسایی که از ابتدای دنیا به صورت تمثیلی اعلام شده بود. کلیسایی که تشکیل آن به طریقی شگفت آور در سراسر تاریخ قوم اسرائیل و در عهد عتیق آماده شده بود، کلیسایی که با استقرار یافتن در این دوره از زمان، به وسیله ی جاری شدن روح القدس آشکار گشت و در پایان زمان، جلال کامل خود را به دست خواهد آورد.

پس طبق مکتوبات پدران قدیس، تمام انسان های عادل از زمان آدم «از هابیل عادل تا آخرین برگزیدگان» نزد پدر در کلیسای جهانی گردآوری خواهند شد.»
(شورای واتیکان دوم، نورامت ها، شماره ۲)

ب- کلیسا از پسر یگانه ای می آید که زندگیش را به خاطر عروسیش، کلیسا، می دهد:
شورای واتیکان دوم ادامه می دهد: «بنابراین پسر با رسالتی از جانب پدر خود آمد. در او بود که پدر پیش از بنیاد عالم، ما را برگزید و از پیش تعیین نمود تا فرزند خواندگانش شویم و طبق اراده ی کاملاً آزاد خود همه را در پسر جمع کند (ر. ک افس ۱: ۴-۵، ۱۰). مسیح برای به کار بستن اراده ی پدر، ملکوت آسمان را بر زمین برپا نمود تا راز پدر را بر ما آشکار نماید. او با اطاعت خویش نجات را مهیا کرد. کلیسا یا به عبارت دیگر ملکوت خدا که اکنون به صورت راز حاضر است، با قدرت خدا آشکارا در جهان رشد می کند. این برپایی و رشد به وسیله ی سمبول خون و آبی که از پهلوی شکافته ی عیسای مصلوب روان گشت (ر. ک یو ۱۹: ۳۴) نشان داده شده اند و در سخنان خداوند راجع به مرگش بر صلیب نبوت شده اند: «من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید» (یو ۱۲: ۳۲). با هر برگزاری قربانی صلیب بر قربانگاه که در آن، گذر ما مسیح، ذبح شده است (۱- قرن ۵-۷) کار نجات ما ادامه می یابد. ضمناً در راز قربانی مقدس، اتحاد تمام ایماندارانی که در مسیح یک بدن را تشکیل می دهند ابراز و عملی می گردد. همه ی انسان ها به سوی مشارکتی این چنین با مسیح، که نور جهان است خوانده شده اند زیرا ما از او می آییم و زندگی ما از اوست و به سوی او می رویم.» (شماره ۳).

ج- کلیسا از روح القدسی می آید که به ما زندگی نوین عطا می کند:
و بالاخره همان متن تأکید می نماید: «وقتی کاری که پدر به پسر داده بود تا بر زمین انجام دهد (ر. ک یو ۱۷: ۴) به کمال رسید، در روز پنطیکاست روح القدس فرستاده شد تا کلیسا را دائماً تقدیس نماید و بدین ترتیب همه ی ایمانداران از طریق مسیح در آن روح یگانه، نزد پدر دخول دارند (ر. ک افس ۲: ۱۸). روح یگانه ای که روح زندگی است و چشمه آبی که تا حیات ابدی می جوشد (ر. ک یو ۴: ۱۴؛ ۷: ۳۸-۳۹). پدر از طریق روح به انسان هایی که توسط گناه مرده اند زندگی می بخشد تا آن که سرانجام بدن های فانی آنان در مسیح رستاخیز کنند (ر. ک روم ۸: ۱۰-۱۱). روح در کلیسا و در قلوب ایمانداران هم چون در معبدی ساکن است (ر. ک ۱- قرن ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹). وی در آنان دعا کرده و به این واقعیت که آنها فرزند خوانده می باشند شهادت می دهد (ر. ک غلا ۴: ۶؛ روم ۸: ۱۵-۱۶، ۲۶). روح، کلیسا را به کمال حقیقت

رهنمون گشته (ر.ک یو ۱۶:۱۳) اتحادی مبنی بر مشارکت و خدمت را به آن می بخشد و نیز آن را با هدایای متنوع، سلسله مراتب روحانی و عطایای روح، آراسته و رهنمون ساخته با میوه های فیض خویش زینت می دهد (ر.ک افس ۴:۱۱-۱۲؛ ۱-قرن ۱۲:۴؛ غلا ۲۲:۵). روح هم چنین به وسیله نیروی انجیل موجبات طراوت و تازگی کلیسا را فراهم ساخته و آن را دائماً احیاء و به سوی مشارکت کامل با دامادش رهبری می نماید. روح و عروس هر دو به عیسی خداوند می گویند: «بیا» (ر.ک مکا ۲۲:۱۷). بنابراین کلیسای جهانی به عنوان «قومی که وحدت خود را از اتحاد پدر، پسر و روح القدس دریافت می کند» تجلی می یابد» (شماره ۴) مجمع اسقفان این مقدمه را درباره ی راز کلیسا با این جمله مهم پایان می دهد: «بنابراین کلیسای جهانی به عنوان قومی که وحدت خود را از اتحاد پدر، پسر و روح القدس دریافت می کند تجلی می یابد». مجمع اسقفان با گفتن این جمله در واقع تعلیم کلیسای اولیه را تکرار می کند: همان مطلبی که قدیس سبیریان، اسقف کارتاژ در قرن سوم تأیید می نمود.

کلیسا یک سازمان بشری نیست، گرچه از انسان هایی تشکیل شده که احتیاج با سازماندهی دارند؛ کلیسا توسط انسان ها تأسیس نشد، با آنکه رسولان مسئولیت یافتند که آن را در میان همه ی امت ها انتشار دهند؛ علت بقای کلیسا این نیست که ما می خواهیم با هم بمانیم، اگر چه خدا از ما می خواهد در کار نجات همکاری داشته باشیم. اوست که ابتکار عمل را در دست دارد زیرا که ما را محبت می نماید. اوست که تصمیم گرفت پسرش را برای نجات ما از گناه و مرگ بفرستد. اوست که ما را برگزید، ما را جمع می کند، و توسط نیروی روح القدس در ما، این انسان نوین را می آفریند. بله، کلیسا بشری است و از انسان ها تشکیل گردیده، اما مبدأ آن جای دیگری است. همان طور که عیسا واقعاً نسان است، اما... فقط انسان است؟

حال می توانیم به این سؤال «کلیسا از کجا می آید؟» پاسخ دهیم: کلیسا از سه گانه ی اقدس می آید. سپس مطالعه ی مجمع اسقفان واتیکان دوم را با سؤال دیگری ادامه خواهیم داد. (ر.ک بخش ششم، فصل چهارم، کلیسا در دنیای امروز چه می کند؟).

۲- مشارکت چیست؟

تفرقه در روح حیوانی بود نفس واحد روح انسانی بود (مشوی، دفتر ششم، ۱۸۸)

کتاب اعمال رسولان، اولین مسیحیانی که بعد از نزول روح القدس، در کلیسا جمع شده اند را این گونه توصیف می کند: «...در مشارکت ایشان وفادار بود...» (اع ۲:۴۲). چون می دانیم که روح القدس مشارکت ما بین پدر و پسر می باشد، می توان درک نمود که این امر کاملاً طبیعی است. اما، به راستی کلمه ی مشارکت یا به زبان یونانی (koinonia) که نوزده بار در عهد جدید به کار برده شده است دارای چه معنایی می باشد؟ این کلمه ی یونانی از ریشه ی کلمه ی (koinos) به معنی مشترک و یا همگانی می باشد؛ برعکس کلمه ی (idios) که به معنی ویژه یا مخصوص می باشد. اما فعل (koino) به معنی جمع نمودن و با هم قسمت کردن می باشد. بنابراین، کلمه ی (koinonia) با سهیم بودن و تقسیم کردن ارتباط دارد. در این صورت می توانیم این کلمه را در زبان فارسی مشارکت و یا پیوند ترجمه کرد.

اما در چهارچوب علم خداشناسی، معنی دقیق این کلمه چیست؟ در درجه ی اول این کلمه به شریک شدن در زندگی پدر از راه مسیح و در روح القدس اشاره می کند. همان گونه که قبلاً گفته ایم همه ی ما توسط راز تعمید در «مشارکت روح القدس» (۲- قرن ۱۳: ۱۴) می باشیم. در این جا ارتباط عمیق و شخصی ما بین خدا و انسان مطرح است چنان که در عهد قدیم، موضوع ارث یا عهد دارای تفکرات مشابهی می باشند: قوم برگزیده ارث خداوند است (خروج ۳۴: ۹). و خدا با قوم خود عهد بسته (از ۲۴: ۷). نقطه ی اساسی مشارکت ما در اینجاست که خدا خود را به ما عطا می کند: «امین است خدایی که شما را به مشارکت پسر خود عیسا مسیح خداوند ما خوانده است» (۱- قرن ۱: ۹). بنابراین، از راه تعمید همه ی ایمان داران به مشارکت روح القدس دعوت شده اند، و هم چنین به مشارکت در رنج و تسلی مسیح (۲- قرن ۱: ۷؛ فیل ۳: ۱۰).

برای درک بهتر این موضوع می توان بر چندین متن از عهد جدید تعمق کرده تا آن را بهتر درک نماییم. خدا، توسط روح القدس در یکتا پسر خود ما را به فرزند خواندگی قبول کرد و در زندگی خدا شریک نمود: «چون که پسر هستیید خدا روح پسر خود را در دل های شما فرستاد که ندا می کنند ای ابا یعنی ای پدر (غلا ۴: ۶)».

«به خاطر رحمت خود، ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است. که او را به ما به دولتمندی افاضه نمود توسط نجات دهنده ی ما عیسا مسیح تا فیض او عادل شمرده شویم وارث گردیم به حسب امید حیات جاودانی» (تیط ۳: ۵-۷).

... «از این می دانیم که در او ساکنیم و وی در ما زیرا که از روح خود به ما داده است... خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن می باشد و خدا در او (۱-یو:۵:۱۳، ۱۶).
 «از این می شناسیم که در ما ساکن است یعنی از آن روح که به ما داده است» (۱-یو:۳:۴).
 لوقا و پولس رسول نشان می دهند که برای مسیحیان اولیه تقسیم کردن دارایی (اع:۴:۳۴-۳۵) و کمک مالی به کلیساهای فقیر، نشانگر این است که ما در زندگی خدا شراکت داریم (روم:۱۵:۲۶: ۲-قرن:۹:۱۳).

کلیسا را می توان نتیجه ی مشارکت ما با خدا نامید. این ارتباط عمیق که خدا با ایمانداران برقرار می سازد مابین همه ی مسیحیان همبستگی متقابل برقرار می کند. این اتحاد از راه مشارکت در زندگانی سه گانه ی اقدس، توسط تعمق بر کلام خدا و تقسیم نان مقدس و رازهای دیگر کلیسا برپا می شود البته این مشارکت با سه گانه ی اقدس و با یک دیگر در طول تاریخ عمیق تر می شود و تنها زمانی که در جلال با خدا اتحاد پیدا نماییم کاملاً به تحقق خواهد رسید. طبق ایرنیوس قدیس، اسقف شهر لیون که در سال ۲۰۲ وفات نمود، تاریخ نجات، وارد شدن تدریجی بشریت در آن مشارکت می باشد که آن مشارکت خود خدا می باشد، او تأکید می کند: «آن جا که کلیسا هست روح القدس وجود دارد و آن جا که روح القدس هست کلیسا وجود دارد». بنابراین، در تمام عهد قدیم، کلیسا همه ی افراد عادل را که اجازه دادند روح القدس آنها را بکشاند در بردارد. و بدین معنی می توان گفت کلیسا «از هابیل عادل» وجود دارد (ر. ک عبر: ۱۱:۴ و شورای واتیکان دوم، نور امت ها شماره ی ۲).



طبق روایت کلیسای شرق، این مشارکت با مسیح در سه سطح برقرار می شود: در قلب ایمان دار، گروه ایمان داران در این دنیا، مشارکت قدیسین در فردوس.

قلب ایماندار:

از دیدگاه کتاب مقدس، قلب فقط محل احساسات نیست، بلکه عمیق ترین مرکز مشخص یا محل مرموزی که در آن معنی زندگی و سرنوشت شخص او مشخص می شود، می باشد. زیرا قلب ایمان دار به معبد روح القدس تبدیل شده است (۱-قرن:۶:۱۹)، بنابراین، خدا در آن «می ماند». فعل ماندن در نوشته های یوحنا دارای معنایی بسیار عمیق می باشد یعنی محل تطهیر شده توسط روزه و دعا، که در آن جا ملاقات با مسیح و صمیمیتی مرموز با او برقرار می شود: «در من بمانید هم چون من در شما...» (یو:۱۵:۱۴)

گروه ایمانداران:

«جایی که دو یا سه نفر در اسم من جمع شوند من در آنجا هستم» (مت ۱۸: ۲۰).

مشارکت قدیسین:

مشارکت قدیسینی که به هدف رسیده اند یعنی ملکوت پر محبت خدا و درباره ی این مشارکت در باب آخر این کتاب با عنوان «اورشلیم سماوی» بحث خواهیم کرد.

«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

در قانون ایمان اقرار می کنیم که «به مشارکت مقدسین ایمان داریم» و درباره ی این موضوع، کتاب «خلاصه تعلیمات» چنین می گوید:

۱۹۴- اصطلاح مشارکت مقدسین چه معنایی دارد؟

معنی اول این اصطلاح، این می باشد که همه ی اعضا کلیسا به فیض های مقدس، با هم شرکت می کنند یعنی ایمان و رازهای کلیسا، مخصوصاً شام آخر و عطایای مختلف روح القدس. سرچشمه ی مشارکت محبت می باشد که «نفع خود را طالب نمی شود» (قرن ۱۳: ۵) بلکه ایمان داران را دعوت می کند که «همه چیز را مشترک بدانند» (اع ۴: ۳۲) حتا دارایی مادی خود را جهت خدمت به فقیران.

۱۹۵- معنی دیگر مشارکت مقدسین چیست؟

این اصطلاح به مشارکت مابین اشخاص مقدس نیز اشاره می کند یعنی اشخاصی که از راه فیض خداوند با عیسای کشته و رستخیز کرده متحد شدند. در این کاروان به سوی ملکوت بعضی ها در زمین زندگی می کنند و راه می روند و عده ای دیگر که این زندگی را رها نمودند، با کمک دعاها و تطهیر خود را به اتمام می رسانند و بالاخره، عده ای دیگر از هم اکنون از جلال خدا لذت می برند و برای ما استغاثه می کنند. همه با هم در مسیح یک خانواده، یعنی کلیسا جهت ستایش و جلال راز سه گانه ی اقدس تشکیل می دهند.

۲۶۳- میوه های راز تعمید کدام هستند؟

تعمید، گناه اصلی و همه ی گناهان شخصی همراه با کیفر مربوطه را عفو می کند. تعمید یافته را در زندگی سه گانه ی اقدس، توسط راز تقدیس کننده و راز تبرئه کننده ای که به مسیح و کلیسای خود ملحق می کند، سهیم می سازد. برکات مسیح مشارکت کرده، اساس مشارکت با همه ی مسیحیان را برپا می کند و فضایل الهی و عطایای روح القدس را می دهد. بنابراین، شخص تعمید یافته برای همیشه به مسیح تعلق دارد زیرا مهر محو نشدنی مسیح بر او حک شده است.

این چشم انداز کلیسا، به عنوان مشارکت بسیار مهم و محوری می باشد. پاپ ژان پل دوم در بیستمین سالگرد شورای واتیکان دوم، به روشنی به اسقفان یادآوری می کرد: «مشارکت از دیدگاه کلیساشناسی بینش مرکزی و اساسی تمام متون رسمی شورا می باشد». در واقع همین طور که در ادامه ی بحث درباره ی کلیسا خواهیم دید، معرفی کلیسا به عنوان (koinonia) مشارکت، جهت درک معنی تعداد زیاد کلیساهای محلی از یکتا کلیسای خدا، جسم مسیح، معبد روح القدس و قوم خداوند بسیار مهم به نظر می آید. به طور خاص، این توصیف، راهی به سوی ما می گشاید تا دو جنبه ی کلیسا یعنی

جنبه‌ی محلی و جنبه‌ی نهایی آن را بهتر درک نماییم؛ البته نه به عنوان دو عامل جدا از یک دیگر بلکه به عنوان دو بعد مکمل یک دیگر که هر دو یک حقیقت را توصیف می‌نمایند.
(ر.ک مشارکت چیست)

۳- دو نماد اصلی کلیسایی

به دلیل این که کلیسا در راز سه گانه ای اقدس که مشارکت می‌باشد ما بین تشخیص پدر و پسر و روح القدس، می‌توانیم درک کنیم که کلیسا خود اساساً مشارکت می‌باشد. یعنی مشارکت با عیسا که خود تاک می‌باشد و ما شاخه‌هایش (یو ۱۵: ۱-۱۰) و هم چنین مشارکت ما بین تعمید یافتگان، ما بین عطایای روح القدس و ما بین کلیساهای محلی مختلف، می‌باشد. در این قسمت راز کلیسا به عنوان مشارکت با مسیح، تعمق کنیم و دو موضوع عمیق کتاب مقدس را بررسی کنیم که به تعمق ما کمک خواهند کرد:

الف- کلیسا عروس مسیح

ب- کلیسا تن مسیح

الف- کلیسا، عروس مسیح

آب حیوان خوان مخوان این را سخن روح نو بین در تن حرف کهن (مثنوی، دفتر اول، ۲۵۹۶)

(قبل از خواندن متن ذیل، یو ۳: ۲۹ را بخوانید)

رابطه ای، مانند رابطه‌ی زناشویی که خدا را با قومش متحد می‌سازد و اراده خدا که مایل است کلیسا را به صورت عروس مسیح خود درآورد در سراسر کتاب مقدس مشاهده می‌شود.

۱- خدا در عهد عتیق داماد قومش معرفی می‌شود

هوشع نبی به ویژه این موضوع را بسط داده است یعنی روابطی که خدا را با قوم اسرائیل متحد ساخته و کسانی را که وصلت مسیح را با کلیسا فراهم خواهند آورد اعلام و آماده می‌سازد. پولس قدیس تأکید می‌نماید که «اسرائیل خدا» (غلا ۶: ۱۶) ادامه‌ی «اسرائیل جسمانی» (۱-قرن ۱۰: ۱۸) است.

پس بياييد به شرح رآفت بى پايان خدا نسبت به قومش که توسط يکى از انبيا بيان شده گوش

فرا دهيم:



«تورا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت

و تورا به عدالت و انصاف

و رآفت و رحمانيت نامزد خود خواهم گردانيد

و چون تورا به امانت نامزد خود ساختم

آن گاه بيهوه را خواهى شناخت» (هو: ۲: ۱۹-۲۰).

بنابراين، قوم اسرائيل از قبل به عنوان عروس خدا معرفى شده است. ولى هوشع نبى در مورد صفات عروس، خيال واهى به خود راه نمى دهد چون قبلاً بين واقعيت اجتماعى و نقشه ي خدا اختلافى پديد آمده است. «زنى که محبوبه ي شوهر خود و زانیه مى باشد...» (هو: ۳: ۱) يعنى بنى اسرائيل، همسر خدا بوده ولى همسرى است زناکار. «مادر خود را متهم کنيد زيرا که او زن من نيست و من شوهر او نيستم لهدذا زناى خود را از پيش رويش و فاحشگى خويش از ميان پستان هايش رفع بنمايد» (هو: ۲: ۲)... «قوم من جازم شدند که از من مرتد گردند» (هو: ۱: ۷). ليکن گرچه اسرائيل همسر، به خداوند خود خيانت بسيار کرد، خداوند او را با رآفت حيرت انگيز و الاهى خود دوست داشته در اصلاح او و بازگردانيدنش به سوى خود و تقديس وى توسط محبت خود مى کوشد: «من راه رفتن را به ا فرايم تعليم دادم و او را به بازوها برداشتم... ايشان را به ريسمان هاى انسان و به بندهاى محبت جذب نمودم و به جهت ايشان مثل كسانى بودم که يوغ را از گردن بر مى دارند و خوراک پيش روى ايشان نهادم» (هو: ۳: ۱-۴)... «اى ا فرايم چگونه تو را ترک کنم،... دل من در اندرونم منقلب شده و رقت هاى من با هم مشتعل شده، حدت خشم خود را جارى نخواهم ساخت و بار ديگر ا فرايم را هلاک نخواهم نمود زيرا خدا هستم و انسان نى و در ميان تو قدوس هستم پس به غضب نخواهم آمد» (هو: ۱: ۸-۹). علاوه بر اين، مى بايست غزل غزل هاى سليمان دوباره بخوانيم، با درک معنى گفتگوى داماد و عروس به عنوان گفتگوى پر محبت مسيح با کليسا.

در عهد جديد اين رابطه ي محبت، اين صميميت زناشويى بين خدا و قومش مشخص تر شده و شکوفا مى گردد.

۲ - در اناجيل، عيساى مسيح داماد است

دو مثلى که خداوند ما عيسا مسيح، براى ما گفته اين امر را مکشوف مى نمايد که خدا توسط پسرش خود را داماد قوم خویش خواهد ساخت و همين مثل ها نيز سبب خواهند شد که ما بهتر و بيشر به داماد کليسا نزديک شويم.

- مثل جشن عروسی (مت ۲۲: ۱-۱۳)

این مثل، ملکوت آسمان را به جشن عروسی تشبیه می نماید که پادشاهی برای پسر خویش گرفت و چون مدعوین نخواستند به جشن بیایند پادشاه به غلامان خود گفت: «عروسی حاضر است لیکن دعوت شدگان لیاقت نداشتند. الان به کوچه ها و خیابان ها بروید و هر که را بیابید به عروسی دعوت کنید. پس آن غلامان به سر راه ها رفته نیک و بد هر که را یافتند جمع کردند چنان که خانه عروسی از مجلسیان مملو گشت» (مت ۲۲: ۸-۱۰). اینها دیگر مدعوین ممتازی که به جشن عروسی دعوت شده بودند نیستند و حاضران مجلس منحصر به افراد منتخب نمی باشند: نیک و بد به آن خواننده شده اند و از این به بعد هم تمام آدمیان دعوت شده اند تا وارد صمیمیت خدا شوند «که می خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند» (۱- تیمو ۲: ۴). گرچه از عروس نامی برده نمی شود ولی تمامی مدعوین نماینده ی او هستند. با وجودی که از مدعوین درخواست شده بود که ملبس به لباس عروسی حاضر شوند یکی از آنها از لطف پادشاه سوءاستفاده نمود و بدون جامه ی عروسی در جشن حاضر شد. «پادشاه به او گفت: عزیز چطور در این جا آمدی و حال آن که جامه ی عروسی در بر نداری؟ او خاموش ماند آن گاه پادشاه خادمان خود را فرمود این شخص را دست و پا بسته بردارید و به بیرون در ظلمت بیندازید».

این لباس عروسی که هر یک از مدعوین باید برای حاضر شدن در مقابل داماد الهی به تن داشته باشد کدام است؟ چگونه است که حتی «بدان» نیز نمی توانند با به تن داشتن این لباس به حجله راه یابند؟ جواب این سؤالات را در یکی از سرودهایی که در هفته مقدس سراییده می شود می یابیم: «ای نجات دهنده من، من حجله تو را تماشا می کنم، حجله تو آراسته است اما من لباس ورود به آن را ندارم. پس ای تو که نور می دهی، پوشش باطن مرا منور ساز و مرا نجات ده!»

ما بایستی این «لباس نورانی» را که بخشش خدا یعنی روح القدس است و به رایگان به کسانی داده می شود که به مسیح بخشاینده اعتماد و ایمان دارند بپذیریم. فیلیپس شماس در جواب مرد حبشی که سؤال می نمود: «چه چیز از تعمید یافتنم مانع می باشد؟» چنین گفت: «هر گاه به تمام دل ایمان آوری جایز است». مرد حبشی جواب داد: «ایمان آوردم که عیسا مسیح پسر خداست» (اع ۳۶-۳۷).

هر گاه با تمام دل ایمان آورده و اعتماد کامل به لطف بخشاینده مسیح، نجات دهنده خود داشته باشیم صرفنظر از تمام گناهان، باران نور، بر ما باریده و عطیه ی روح القدس که ما را عضو کلیسا ساخته به ما اجازه می دهد که با صمیمیت در حجله پاگذاریم. نجات یعنی اتحاد ایمانداران (و حتی آنهایی که جزو «بدان» بوده اند) با مسیح خدا، پادشاه محبوبشان می باشد.

بنابراین، این اتحاد به مناسبت ضیافت، میهمانی و غذای آسمانی حاصل می‌گردد. سهیم شدن ما در این غذا از قبل در «شام عرفانی»، طی صرف غذای اسرارآمیز بر سر میز ملکوت، به هنگام پیوند در راز بدن و خون گران بهای خداوند ما و در موقع اجرای آیین عبادت الهی انجام می‌پذیرد. نباید فراموش نمود که این آیین اساساً ملاقات محبت آمیزی بین مسیح و قومش است. اما ازدواج، اگر بتوان چنین گفت، هنوز انجام نپذیرفته است و این موضوع ما را به یاد مثل زیر می‌اندازد:

- مثل ده باکره (مت ۲۵: ۱-۱۳)

آمدن داماد به طول انجامید. ده باکره که می‌بایست به استقبال داماد بیرون رفته و داماد را با چراغ‌های روشن تا اتاق عروسی همراهی نمایند. پنج نفر آنها که نادان بودند به خود گفتند: «دیر وقت است و داماد نخواهد آمد». پس به خواب فرو رفتند و چراغ‌های ایشان به علت تمام شدن روغن خاموش شد. چنین هستند انسان‌هایی که به خود می‌گویند: «دو هزار سال است که ما در انتظار آمدن دوباره خدا که وعده‌ی بازگشتش در روز صعود به رسولان داده شده به سر می‌بریم و دیگر به این امر ایمان نداریم چون حقیقت ندارد...».

ولی پنج نفر دیگر دانا بودند و می‌دانستند که داماد گرچه دیر کرده اما به قول خود وفا خواهد کرد. پس قبل از خوابیدن، روغن کافی در ظرف‌های خود ذخیره کردند. نصف شب صدایی بلند شد: «اینک داماد می‌آید!» و باکره‌های دانا با یک خیز بلند شده و چراغ‌های خود را که روشن نگه داشته بودند از روغن پر کردند تا به استقبال داماد بشتابند. دختران نادان به دانایان گفتند: «از روغن خود به ما بدهید زیرا چراغ‌های ما خاموش می‌باشد.» ولی آنها جواب دادند: «نمی‌شود مبادا ما و شما را کفاف ندهد بلکه نزد فروشندگان رفته برای خود بخرید». در حینی که ایشان به جهت خرید می‌رفتند داماد آمد و آنانی که حاضر بودند با وی به عروسی داخل شدند و در بسته شد. باکره‌های دیگر نیز بالاخره آمدند و گفتند: «خداوند! ما باز کن»، اما او جواب داد: «هر آینه به شما می‌گویم که شما را نمی‌شناسم».

بازگشت مسیح در زمان آخر خواهد بود: «ما آن روز و ساعت را نمی‌دانیم». بنابراین ما باید هر لحظه برای پذیرایی از محبوب خود آماده بوده، مشعل قلب خویش را توسط حضور نورانی روح القدس روشن نگه داریم. پس با جدیت تمام حضور روح القدس را به عنوان یگانه نیاز جستجو کنیم و آن را بیش از هر واقعیت دیگری گرامی داشته در حفظ آن بکوشیم. از به دست آوردن تمام دنیا چه سود، اگر «آن کسی را که زندگی ماست» از دست بدهیم (کول ۳: ۴).

ما این مثل را در ابتدای هفته ی مقدس در موقع سرآیدن دعای زیر کاملاً تجربه می نماییم:

اینک داماد به هنگام نیمه شب وارد می شود. شادمان، خادمی که داماد، وی را بیدار بیاورد،
و نالایق آن کسی که خواب آلوده باشد.

ای روح من به هوش باش تا از ترس تسلیم شدن به مرگ و اخراج از ملکوت به خواب فرو نروی،
بلکه بیدار شو و فریاد بر آرز:

قدوس، قدوس، قدوس هستی تو ای خدای ما، به وساطت مادر باکره ات بر ما رحم کن.

[در ارتباط با قسمت فوق رجوع کنید به راز برکت ازدواج فصل سیزدهم و نامه ی پولس به افسسیان ۵: ۲۱-۲۳]

اکنون مسیح که داماد کلیسا شده است خود را در سیمای شخص مصلوب چنان پنهان می نماید که برای شناختنش ایمان قوی می باید، زمانی که او با جلال باز خواهد گشت به عنوان داماد الهی بر همه ظاهر شده و کسانی را که او را در میان گناهکاران کلیسا باز شناخته اند به سوی مجلس عروسی^۱ هدایت خواهد نمود.

۳- کلیسا در رساله به افسسیان، عروس مسیح اعلام می شود

(قبل از خواندن متن ذیل، افسس ۵: ۱۲-۳۳ را بخوانیم)

در سیر وحی، پیشرفت مشاهده می شود: هو «۱: ۲-۹، ۲۰: ۲-۲۳». ابتدا هوشع نبی خدا را به عنوان داماد قومش معرفی کرده بود بنابراین هر بت پرستی زناکار نامیده می شود. سپس عیسا بر ما مکشوف نمود که در اوست که خدا، داماد موعود می باشد و بالاخره برای اولین بار در رساله به افسسیان از کلیسا به عنوان عروس نام برده می شود. نویسنده ی رساله در واقع عشق شوهر به همسرش را با عشق مسیح به کلیسا مقایسه می نماید. او نه تنها برای عمق بخشیدن به مفهوم ازدواج انسانی بلکه مخصوصاً به جهت تفسیر راز کلیسا مبادرت به این کار می کند: «... و آن دو یک تن خواهند بود. این سرّ عظیم است لیکن من در باره ی مسیح و کلیسا سخن می گویم» (افس ۵: ۳۱-۳۲). کلیسا با مسیح یک تن را تشکیل می دهند^۲ بنابراین ما تک تک با عیسا متحد نمی شویم بلکه «همه با هم باید به وحدت دست یابیم» تا در این وحدت به «قامت پری مسیح» برسیم (افس ۴: ۱۳). این بدان معناست که ما برای دو اتحاد فرا خوانده شده ایم یعنی اتحاد با یک دیگر و اتحاد با مسیح. در اوست که ما با یک دیگر متحد می شویم و متقابلاً از طریق متحد شدن با یک دیگر با او یکی می گردیم. مسیحی بودن در تنهایی امکان پذیر نیست. انسان نمی تواند به آن معنا که مرد زن را «بشناسد» توسط خدا در خارج از اجتماع^۳ و کلیسا شناخته شود. ما فقط در داخل اجتماع و در کلیسا و به علت این که هم دیگر

۱- ر. ک بخش ششم فصل دهم (یادآوری می شود که در این متون زنا به معنی بت پرستی بر ضد عهد قوم با خدای یکتا می باشد).

۲- پیشگویی این امر از غزل غزل های عهد عتیق در سرود باشکوه شب زفاف از دیر باز احساس می شد. یادآوری می کنیم که در این متون زنا به معنی بت پرستی می باشد بر ضد عهد قوم با خدای یکتا.

۳- «جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند آن جا در میان ایشان حاضر» (مت ۱۸: ۲۰).

را محبت می نمایم^۴، می توانیم با سرور خدای خود ارتباط صمیمیتی برقرار نموده با او متحد شویم. ما همه با هم، کلیسا را تشکیل داده و با مسیح یک تن می باشیم.

این است راز مکشوف شده ی کلیسا، این است دو حکم بزرگ عهد عتیق «که بدین دو حکم تمام تورات و صحف انبیا متعلق است» (مت ۲۲: ۴۰). «پس بپوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما» (تث ۶: ۵) و «همسایه ی خود را مثل خویشتن محبت نما» (لاو ۱۹: ۱۸) که تحقق نهایی این دو حکم، عروسی مسیح خدا با کلیسای خود می باشد.

اراده ی خداوند چنین است: او می خواهد کلیسای وی طوری معرفی شود که «لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد بلکه تا مقدس و بی عیب باشد» (افس ۵: ۲۷). ولی او می داند که کلیسا هنوز چنین نیست پس کلیسا را به سوی آن دعوت می کند، چیزی که کلیسا باید بشود، چیزی که او کلیسا را مشخص می نماید با غسل روح القدس که این کلام را به انجام می رساند همراه است. اما تحقق یافتن این امر احتیاج به وقت دارد. آفرینش کلیسا توسط کلام و روح القدس به اتمام نخواهد رسید مگر در زمان آخر و این همان چیزی است که در مکاشفه ی یوحنا گفته شده است.

۴ - در مکاشفه ی یوحنا، کلیسا در کمال شکوه خود ظاهر می شود: اورشلیم آسمانی

«دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی باشد و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می گفت: اینک خیمه ی خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود... و بعد از آن، موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت» (مکا ۲۱: ۱-۴)... «الحال همه چیز را نو می سازم... من الف و یاء، ابتدا و انتها هستم، من به هر که تشنه باشد از چشمه ی آب حیات مفت خواهم داد» (۶-۵: ۲۱)... «بیا تا عروس منکوحه بره را به تو نشان دهم، آن گاه (فرشته) مرا در روح به کوهی خیلی بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می شود و جلال خدا را دارد و نورش مانند جواهر گران بها» (۲۱: ۹-۱۱)... «و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند، خدای قادر مطلق و بره، قدس آن است و شهر احتیاج ندارد که آفتابی یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد و چراغش بره است» (۲۱: ۲۳-۲۴)... «روح و عروس می گویند: بیا! و هر که می شنود بگوید: بیا! و هر که تشنه است بیاید و هر که خواهش دارد از آب حیات بی قیمت بگیرد» (۲۲: ۱۷)... «بلی به زودی می آیم! آمین بیا ای خداوند عیسا!»

۴- طی آیین نیایش، قبل از خواندن قانون ایمان به صورت دسته جمعی، کشیش برای بیان این امر، که ایمان واحد و محبت واحد است که ما را متحد می سازد با صدای بلند چنین می گوید: «بیاید همدیگر را محبت نمایم تا بتوانیم يك دل اعتراف کنیم...» آن گاه همه دسته جمعی چنین ادامه می دهند: «پدر، پسر و روح القدس، ای تثلیث هم سرشت و تقسیم نشدنی» زیرا فقط محبت و اتحاد بین برادران است که اقرار به تثلیث را امکان پذیر می نماید.

ب- کلیسا، بدن مسیح

سوی حسی رو که نورش را کبست حس را آن نور نیکو صاحبست (مثنوی، دفتر دوم، ۲۹۲)

۱- ابعاد جهانی بدن مسیح رستاخیز کرده

برای وارد شدن در این مبحث باید راه های معمولی اندیشیدن را کنار بگذاریم تا بتوانیم با واقعیتی کاملاً جدید رو به رو شویم: «الحال، همه چیز را نو می سازم» (مکا ۲۱: ۵). این همان چیزی است که پولس قدیس آن را خلقت تازه می نامد (غلا ۶: ۱۵؛ ۲-قرن ۵: ۱۷) «پس چون با مسیح برخیزانیده شدید آن چه را که در بالاست بطلبید در آن جایی که مسیح است به دست راست خدا نشسته. در آن چه بالاست تفکر کنید نه در آن چه بر زمین است» (کول ۳: ۱-۲). بنابراین، خواننده باید در این جا تصور دنیایی را که در آن اشیاء در فضایی قابل قیاس پهلو می قرار می گیرند کنار بگذارد. «با خبر باشید که کسی شما را نرباید به فلسفه و مکر باطل بر حسب تقلید مردم و بر حسب اصول دنیوی و نه بر حسب مسیح» (کول ۲: ۸). موضوع، روانه شدن به سوی «شناخت حقیقی، با احیای خود به صورت خالق خویش» می باشد (کول ۳: ۱۰) «مسیح همه و در همه است» (کول ۳: ۱۱). موضوع این است که ابعاد جهانی مسیح «که در وی از جهت جسم تمامی پری الوهیت ساکن است» (کول ۲: ۹) کشف شود. او که «صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آن چه در زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاسات و قوات، همه چیز به وسیله ی او و برای او آفریده شد و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام (هستی) دارد. می بایستی در همه چیز او مقدم شود زیرا خدا رضا بدین داد که تمامی پری در او ساکن شود و این که به وساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد چون که به خون صلیب وی سلامتی و صلح را پدید آورد. بلی به وسیله ی او، خواه آن چه بر زمین و خواه آن چه در آسمان است» (کول ۱: ۱۵-۲۰).



مسلماً لازم بود که پولس با مسیح رستاخیز کرده در راه دمشق^۵ رو به رو شود تا آن شناخت درونی

۵- پولس به وسیله ی نوری عظیم که در اطراف او درخشید از اسب به زمین افکنده شد و او نابینا به زمین افتاد و آواز آن رستاخیز کرده را شنید که به وی می گفت: «ای شائول، ای شائول، چرا بر من جفا می کنی؟». «خداوند تو کیستی؟». «من آن عیسا هستم که تو به او جفا می کنی». (اع ۹: ۱-۱۸؛ ۲۲: ۳-۲۰؛ ۲۶: ۱۲-۱۸).

خارق العاده ی مسیح خداوند را بیابد، مسیحی با بدن رستاخیز شده که دارای ابعاد دنیایی است که او خود خداوندگار و آفریدگار آن بوده و همه چیز در وی هستی دارد، کسی که در همه است، کسی که همه پری در وی ساکن است، کسی که تمام پری الوهیت جسماً در وی ساکن می باشد.

حضرت پولس در رساله ی اول قرنتیان می گوید که بدن رستاخیز کرده « بدن روحانی » است (۱-قرن ۱۵: ۴۴) یعنی بدن سرشار از روح القدس، بدنی که گرچه بر صلیب بود و مدفون شد، از آسمان است (۱-قرن ۱۵: ۴۷)، بدنی فناپذیر و جاودانی که در جلال رستاخیز کرده است بدنی پرجلال! (۱-قرن ۱۵: ۴۳، ۵۳-۵۴).



۲- چگونه کلیسا، می تواند بدن مسیح باشد؟

همین بدن است که پولس قدیس آن را کلیسا می نامد (افس ۱ : ۲۳ ؛ کول ۱ : ۱۸ ؛ ۱-قرن ۱۲: ۱۳-۲۷). خطا می بود اگر در این عبارت پولس فقط یک مثل می دیدیم در صورتی که منظور سخن وی ورود اسرارآميز ايمانداران توسط عمل روح القدس در بدن شخص رستاخیز کرده است، بدنی که دارای ابعاد جهانی می باشد.

خداوند ما عیسا مسیح این امر را در جمله ای از نظر ما می گذرانید که بدن وی محل اجتماع وفاداران وی خواهد بود، همان جمله ای که شاهدان دروغین آن را به هنگام محاکمه وی در مقابل قیافا، به صورت تحریف شده نقل کردند. آنها این سخنان را به وی نسبت دادند: «می توانم معبد خدا را خراب کنم و در سه روز بنا نمایم» (مت ۲۶: ۶۱). یا حتی: «من این معبد ساخته شده به دست را خراب می کنم و در سه روز، دیگری را ناساخته شده ی به دست بنا می کنم» (مر ۱۴: ۵۸).

اما عیسا در حقیقت چنین گفته بود: «این قدس را خراب کنید که در سه روز آن را برپا خواهم

۶- قدس : جایگاه کاهنان در معبد اورشلیم .

نمود» (یو: ۲: ۱۹) انجیل نویس هم چنین اضافه می کند: «لیکن او درباره قدس تن خود سخن می گفت. پس وقتی که از مردگان برخاست شاگردانش را به خاطر آمد که این را بدیشان گفته بود آنگاه به کتاب و به کلامی که عیسا گفته بود ایمان آوردند» (یو: ۲۱-۲۲). آنچه واقع شد این بود که نه تنها کوشیدند بدن عیسا را با میخکوب کردن وی به صلیب از بین برند بلکه معبد اورشلیم چهار سال بعد توسط لشکریان رومی ویران گردید و از آن به بعد تنها معبد و محل اجتماع «پرستندگان حقیقی پدر» (یو: ۴: ۲۳)، بدن رستاخیز کرده وی گردید.

جوان: همه این چیزها به نظرم مبهم می آید.

پیر: فرض کن، همان طور که پولس قدیس هم در ۱-قرن ۱۲: ۲۰ می گوید چنانچه هر یک از اعضای بدن ما مانند چشم، سر و پاها می توانستند مانند یک شخص زنده حرف بزنند چشم می توانست به دست بگوید: «من به تو احتیاج ندارم» و نیز سر به پاها بگوید: «من به شما احتیاج ندارم». در حالی که همه اعضای بدن به یکدیگر وابسته بوده و هر یک از آنها به دیگر اعضا احتیاج دارد و هنگامی که یک عضو دردمند گردد (سایر اعضا با آن همدرد می گردند) «آیه ۲۶» و همین طور اگر عضوی خوب فعالیت نماید (مانند ریه ها یا قلب) تمام بدن از آن استفاده می کند. ما که در آغوش کلیسا با یکدیگر وابسته هستیم همه مسیح پیوند یافته ایم مثل اعضای تنها یک بدن که به سر متصل هستند. بدین ترتیب هنگامی که تنها یک عضو بدن مرتکب عمل یا فکری شریر بشود - حتی اگر هیچ کس از آن باخبر نباشد - تمام بدن، تمام کلیسا در نتیجه آن ناخوش خواهد بود و برعکس هرگاه تنها یک فرد، در خلوت اتاق خود به فکری خوب نایل آید یا دعایی راستین ادا نماید کلیسا و تمام اعضای آن احساس تندرستی خواهند کرد.

در آغوش کلیسا همه با یکدیگر همبستگی داریم و بدون اینکه خود واقف باشیم بین ما ارتباطی برقرار است. روح القدس در واقع در تمام بدن کلیسا به مانند نفس در بدن انسان در گردش است و به همین دلیل سر بدن یعنی مسیح می تواند تمام اعضای بدن را مشروط بر اینکه هیچ یک از آنها بیمار نباشد به حرکت در آورده آنها را راهنمایی کند. در واقع انسان هنگامی که کار بدی انجام می دهد به یک عضو فلج می ماند که مسیح دیگر به آن دستور نمی دهد و روح القدس از آن گذر نمی نماید. اما هنگامی که به کلام خدا گوش فرا می دهند قوه محرکه سر را دریافت می کنند و از طرف روح القدس به ارتباط در محبت فرا خوانده می شوند. در این موقع ایمانداران با یکدیگر و در عین حال با مسیح خود متحد و سهیم هستند.

« خلاصه تعلیمات رسمی »

در خلاصه ی تعلیمات رسمی کلیسای کاتولیک نوشته شده است:

۱۵۶- چگونه کلیسا تن مسیح می باشد؟

مسیح قربانی و رستاخیز شده از راه روح القدس، ایمان داران را عمیقاً با خود متحد می سازد. بدین گونه آنانی که به مسیح ایمان دارند چون عمیقاً با او متحد شده اند مخصوصاً در راز سپاسگزاری، در مبحث با هم متحد شده، یک تن تشکیل می دهند یعنی کلیسا که اتحادش در گوناگونی اعضا و خدمات خود برپا می شود.


۱۵۷- رأس این تن کیست؟


مسیح «رأس تن یعنی کلیسا می باشد» (کول: ۱: ۱۸). کلیسا از او، در او و با او زندگی می کند. مسیح و کلیسا «مسیح کامل» تشکیل می دهند (اگوستین قدیس). «رأس و اعضا، گویا تنها یک شخص عرفانی می باشد» (توماس اگوتیوس)


شمایل ارمنی





این مینیاتور در انجیلی دست نویس کلیسای ارمنی به تصویر کشیده شده است.


 جوان: شمایی که در این جا می بینم به نظر تعجب آور است که آیا شمایل نزول روح است یا شمایل صعود عیسا؟

 پیر: یا این یا آن؟ یا هر دو؟

 جوان: اما ما بین صعود عیسا و نزول روح القدس، طبق اعمال رسولان ده روز فاصله بوده، پس این شمایل چه معنایی دارد و چه ارتباطی با مشارکت کلیسا با عیسا که فعلاً بحث ما در این فصل می باشد؟

 پیر: آخرین جمله ای که عیسا مسیح در انجیل متی قول می دهد این بود: «اینک من هر روزه تا انقضای عالم با شما می باشم. آمین» (مت ۲۸: ۲۰). و واقعاً در این شمایل روشن است که مسیح بعد از صعود به جلال رسیده، ضمناً در صمیمیت با شاگردانش هست، البته توسط روح القدس. همان طور که یحیای تعمید دهنده، بعد از این که روح القدس را دید که بر عیسا آمد و ماند، در نتیجه شهادت داد که «اوست که در روح القدس تعمید می دهد.» (یو ۱: ۳۳)، که در این جمله اصالت مأموریت و ژرف ترین آن بیان شده است.

 جوان: ولی گفته شده بود که پدر قدوس که سرچشمه ی همه است او روح القدس می دهد و در این شمایل عیسا و روح القدس را می بینم، اما پدر کجاست؟

 پیر: مگر تو هم چون فیلیپس رسول نیستی که به عیسا گفته بود: پدر را به ما نشان ده. اولاً، روح القدس را نمی بینی، بلکه فقط نشانه هایی از او به صورت کبوتر و شعله های آتشین، اما چرا روح القدس را نمی بینی؟ اگر مسیح داماد ما، در برابر ما می باشد، روح القدس در درون قلب ما عمل می کند.

دوماً، درباره ی پدر قدوس، آیا تو مثل فیلیپس رسول شده ای که می گفت: «پدر را به ما نشان ده که برای ما کافی است» (یو ۱۴: ۸). و عیسا در جواب او اعلام کرد: «... هر کس من را دیده، پدر را دیده است.» چگونه می توانید بگویید: «پدر را نشان ده...» (یو ۱۴: ۹).

اما درباره ی جواب سؤال باید تأکید کرد که پدر قدوس، یکتا سرچشمه ی همه چیز است و او روح القدس را می فرستد. خود عیسا فرمود: «پسر از خود هیچ نمی تواند کرد، مگر آن که ببند آن چه که پدر به عمل آرد؛ زیرا که آن چه او می کند، هم چنین پسر نیز می کند. زیرا که پدر، پسر را دوست می دارد و هر آن چه خود می کند، به او می نماید...» (یو ۵: ۱۹-۲۰)، و مخصوصاً در ارتباط با فرستادن روح القدس، عیسا به شاگردانش قول داده بود «من از پدر درخواست می کنم و مدافع دیگری

به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی...» (یو ۱۴:۱۶). بنابراین، عیسا همیشه نزد پدر، زنده است تا برای ما استغاثه کند (عبر ۷:۲۵)، و چون با پدر در مشارکت کامل هست در فرستادن روح القدس همکاری می کند. در اسم یکتا پسر، پدر روح القدس را می فرستد (یو ۱۴:۲۶).

ولی شمایل را با دقت بنگرید البته از قسمت بالا شروع کنید. آسمان را باز شده می بینیم البته در ارتباط با زمان صعود (اع ۱:۹). ولی در واقع این راز با تن گیری یکتا پسر خدا (لو ۲:۱۳-۴) و تعمید او (لو ۳:۲۱-۲۲) روع شده بود و امروز نیز حقیقت دارد، طبق قول عیسا به نتانائیل: «آمین، آمین به شما می گویم که از کنون، آسمان را گشوده و فرستادگان خدا را که بر پسر انسان، صعود و نزول می کنند، خواهید دید» (یو ۱:۵۱). عیسا با دست راستش برکت می دهد که البته بهترین برکت خدا، نزول روح القدس می باشد. و با دست چپ او، کتاب بسته که به احتمال قوی به معنی اتمام تاریخ دنیا و معنی آن که توسط او بر ما آشکار شده است (مکا ۵:۱-۱۰). و در اطراف قسمت فوقانی او گل شکفته شده و میوه جدید را می بینیم در ارتباط با خلقت نوین و زندگی نوینی که روح القدس منتقل می سازد (حزق ۴۷:۱۲؛ مکا ۲۲:۲).

جوان: واقعاً، تعمق کلیسا که این شمایل را بیان می نماید، بسیار عمیق است ولی باز سؤال اول خود را تکرار می نمایم که این موضوع چه ارتباطی دارد با مشارکت شاگردان با عیسا مسیح؟

پیر: به قسمت پایین بنگریم و با دقت حرکات رسولان را ببینیم. کلاً حرکات بسیار مشابهی دارند، چون توسط روح القدس در اتحاد جمع شده اند. چشم به بالا دوخته، همه ایشان عیسا مسیح را می نگرند همان طور که عیسا قول داده بود «بعد از اندکی دنیا مرا دیگر نخواهد دید، ولی شما من را خواهید دید، زیرا زنده ام و شما نیز زیست خواهید کرد» (یو ۱۴:۱۹). و ما نیز با چشم دل توسط ایمان در این مشارکت وارد شده، او را زنده می بینیم: «او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد، می بینیم یعنی عیسا را به زحمت مدت تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد...» (عبر ۲:۹).

ضمناً رسولان، او را که در جلال است نشان می دهند، و طبق مأموریتی که عیسا به ایشان داده بود: شهادت می دهند: «بروید و همه امت ها را شاگرد سازید» (مت ۲۸:۱۹). «چون مدافع که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم، آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می گردد، بر من شهادت خواهد داد...» (یو ۱۶:۲۶-۲۷).

اما توجه کردید که اگر رسولان، چشم خود را بر روی عیسا بسته، اما خود عیسا و همچنین حضرت مریم

بر ما می نگرد و هم چنین مادرش حضرت مریم، گویا هر دو ما را دعوت می کنند که در این راز مشارکت توسط روح القدس شریک شویم.

اما حضرت مریم، در وسط و گویا بسیار بلندتر از شاگردان در میان ایستاده، گویا در میان شاگردان ولی از همه مهم تر می باشد و چون روح القدس به صورت آتش بر شاگردان نازل شده تا آنان را کاملاً پاک کند، بر حضرت مریم به صورت کبوتر، هم چون بر مسیح در زمان تعمید، نازل شد و حتی بعضی از رسولان گویا با دست او را نشان می دهند.

جوان: چرا حضرت مریم این قدر اهمیت دارد، مگر تو خودت اکنون نگفتی که او یکی از شاگردان



عیسا بوده و هست؟

پیر: البته مریم عذرا یکی از ماست و بهترین شاگردان عیسا بوده و هست، اما به کدام شاگرد از طرف خدا، فرشته گفت: «تو سرشار از نعمتی و خداوند با توست» (لوقا: ۲۸)، ادامه داد «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت تعالی بر سایه خود افکند، از آن جهت مولود قدوس، پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا: ۳۵) بنابراین، با ایصابات همه شاگردان عیسا به او اعلام کرده می گویند: «خوشا به حال او که ایمان آورد» (لوقا: ۴۵).



بنابراین، برای همه ی کلیساهای قدیم، حضرت مریم در میان شاگردان اهمیت بسزایی دارد و او را مادر همه ی شاگردانی که عیسا آنان را محبت می کند (یوحنا: ۱۹: ۲۷). و در شمایل می بینیم که دست ها را گشوده و برای ما دعا می کند.

جوان: ولی به چه دلیل چهره ی او تیره شده است؟

پیر: به احتمال قوی، همان طور که در شمایل های مختلف دیگر می بینیم، شاگردان که به او عشق و محبت داشتند و مرتب او را می بوسیدند و او را به عنوان کسی که راز کلیسا را به کمال رسانده، می دیدند و ما نیز در این مشارکت دعوت شده ایم.



۳- نان قربانی مقدس، بدن مسیح، سازنده ی کلیسا

این راز متحیر کننده تبدیل به واقعیت شده و از طریق راز مقدس سپاسگزاری، جزئی از زندگی ما می شود. عهد جدید در حقیقت معادله ی دو گانه ای را برای ما مکشوف می دارد یعنی:

نان مقدس = بدن مسیح = کلیسا.

بدن مسیح در عین حال که کلیساست نان زنده ای می باشد که از آسمان نازل شده

است (یو:۶:۵۱)، «نانی که به جهان حیات می بخشید» (۳۳:۶)... این «نان حیات» (۳۵:۶)... «نانی که از آسمان نازل شد تا هر که از آن بخورد نمیرد» (۵۰:۶)، نانی که عیسا در شب قبل از مرگ به شاگردان خود داده، چنین گفت: «بگیرید و بخورید این بدن من است که برای بخشش گناهان شما پاره می شود» (مت:۲۶:۲۶).

فقط با خوردن این نان یعنی بدن مسیح می توان دریافت که چگونه کلیسا بدن مسیح است. با سهیم شدن در این نان و شراب یعنی سهیم شدن در راز بدن و خون مسیح ایمانداران تبدیل به بدن مسیح می شده، کلیسا می شوند ایرنیوس قدیس این حقیقت اسرارآمیز را با یک تصویر مشخص می نماید، او می گوید: آب، ذرات آرد را دور هم جمع می نماید تا یک بدن یعنی بدن مسیح را به وجود بیاورند. شام آخر و آیین نیایش عبارتند از آزمایشگاه کلیسا است. در آنجا خدای پدر با دو دست خود یعنی کلام و روح، مجمع فرزندان خود و مجمع شرکت کنندگان در راز نان و شراب را عمل می آورد تا از آن نانی یکتا یعنی بدن مسیح یا کلیسا را به وجود آورد. این همان چیزی است که در رساله به افسسیان (۲:۱۹-۲۲) به طرز دیگری برای ما گفته شده رسولان و انبیا بنا شده اید که خود عیسا مسیح سنگ زاویه است که در وی تمامی عمارت با هم مرتب شده به هیكل مقدس در خداوند نمو می کند و در وی شما نیز با هم بنا کرده می شوید تا در روح مسکن خدا شوید». کلیسا عبارت از همین مجمع ایمانداران است که از کلام خدا و نان مقدس تغذیه می شود، مجمعی که روح القدس از روز پنطیکاست به دیدار آن رفته و آن را زنده نگه می دارد تا از آن بدنی یگانه که عیسا آن را سر و ایمانداران اعضای آن باشند تشکیل دهد (۱- قرن ۱۲: ۱۳-۲۷؛ کول: ۱: ۱۸؛ افس: ۱: ۲۲-۲۳).

نتیجه: آیین سپاسگزاری، شراکت کلیسا را با عیسا برپا می کنند:

در اولین گزارش کار گروه مشترک کاتولیک و ارتدکس که در مونیخ در سال ۱۹۸۲ برگزار شد به این عنوان اعلام شده «راز کلیسا و آیین سپاسگزاری در نور سه گانه اقدس» نوشته شده: «آیین سپاسگزاری کلیسای محلی نشان می دهد چگونه «مشارکت» *kononia* در کلیسایی که این آیین اجرا می کند به تحقق می رسد».

مشارکت کلیسایی در مشارکت نان مقدس اظهار و تجربه می شود این آیین با هم مشارکت با زندگی ابدی خدای سه گانه و در ارتباط با همه ی جماعت ایمانداران به عنوان اعضای یگانه ی بدن مسیح برگزار می شوند. (ر. ک. ۱- قرن ۱۰: ۱۷).

سؤال برای تعمق بیشتر:

۱- در این فصل دو تعریف از کلیسا داده شده، یکی کلیسا تن مسیح و دیگری کلیسا عروس مسیح است، چگونه این دو تعریف مکمل یک دیگر باشند؟ کدام یک از این دو را بهتر می پسندید؟ چرا؟

کتاب برای مطالعه بیشتر:

- ۱- قوم خدا= جورج تاوارد
- ۲- عهد جدید و کلیسا= توماس شرایدز
- ۳- راز کلیسا= جان شلیتن

در نتیجه ی این بحث می توان نتیجه گرفت که با در نظر گرفتن توضیحات پدران کلیسا، این مشارکت که میوه ی روح القدس است دارای سه جایگاه می باشد:

- ۱- قلب ایماندار به عنوان مشارکت شخصی با خدا، توسط روح القدس، چون همان طور که دیدیم این قلب معبد روح القدس می باشد که در دل ما زمزمه می کند «ای پدر» (روم ۸: ۱۵).
- ۲- کلیسا که به عنوان کاروان به سوی ملکوت با راهنمایی روح القدس و حضور مسیح گام بر می دارد.
- ۳- جماعت مقدسینی که چون به هدف رسیده اند در آیین ملکوت با فرشتگان خدا را ستایش می کنند (مکا ۷: ۹-۱۷).